

## «شهد دعا در اشعار حافظ»

دکتر ایوب هاشمی

شاعر و پژوهشگر حوزه عرفان اسلامی

### چکیده مقاله:

حافظ چه در عرفان عملی، سیر و سلوک و تهذیب نفس، چه در عرفان فلسفه آمیز نظری، و چه در مکتب عاشقانه عرفای فارسی و یا عربی مقام ممتازی دارد. نکته سنجی های او در ادبیات فارسی کم نظیراند عبدالرحمن جامی می فرماید: "سخنان حافظ چنان بر مشرب طبقات واقع شده است که هیچکس را آن اتفاق نیفتاده...."<sup>۱</sup>. فلسفه دعا و نیایش او نه به زهد و ترس و تعصب بلکه به اخلاق عارفانه و رندانه متعلق است یعنی آزادگی از ریا، حرص، و دروغ. حافظ از دعا و راز و نیاز استفاده کرده، دعا و نیایش مختص به زمان خاصی نیست چه انسان در قرن هفتم زندگی کند چه در قرن چهاردهم به خلوت کردن با معبودش نیاز دارد و این کار در زمان جاریست. پس در می یابیم که حافظ به دلیل استفاده از مضامینی نو که تاریخ مصرف ندارد و هم به دلیل عاشقانه بودن اشعارش هر روز متولد می شود و می توان گفت حافظ زنده است. نوشته حاضر کند و کاوی است درباره یکی از دغدغه های مهم حافظ؛ یعنی دعا.

### کلید واژه ها:

دعا، توکل، اخلاص، صدق و زاهد.

## پیشگفتار:

شمس الدین محمد حافظ ملقب به خواجه حافظ شیرازی و مشهور به لسان الغیب از مشهورترین شعرای تاریخ ایران و از تابناک‌ترین ستارگان آسمان علم و ادب ایران زمین است که تا نام ایران زنده و پابرجاست نام وی نیز جاودان خواهد بود. با وجود شهرت والای این شاعران گرانمایه در خصوص دوران زندگی حافظ بویژه زمان به دنیا آمدن او اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی به حکم شواهد و قرائن ظاهرا شیخ در حدود سال ۷۲۶ هـ ق در شهر شیراز، که به آن صمیمانه عشق می‌ورزیده، به دنیا آمده است.

اطلاعات چندانی از خانواده و اجداد خواجه حافظ در دست نیست و ظاهرا پدرش بهاء‌الدین نام داشته و در دوره سلطنت اتابکان سلغری فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرده است. شمس الدین از دوران طفولیت به مکتب و مدرسه روی آورد و پس از سپری نمودن علوم و معلومات معمول زمان خویش به محضر علما و فضیلا زادگاهش شتافت و از این بزرگان بویژه قوام الدین عبدالله بهره‌ها گرفت.

خواجه در دوران جوانی بر تمام علوم مذهبی و ادبی روزگار خود تسلط یافت و هنوز دهه بیست زندگی خود را سپری ننموده بود که به یکی از مشاهیر علم و ادب دیار خود بدل گشت. وی در این دوره علاوه بر اندوخته عمیق علمی و ادبی خود قرآن را نیز کامل از حفظ داشت و این کتاب آسمانی را با صدای خوش و با روایت‌های مختلف از بر می‌خواند و از این روی تخلص حافظ را بر خود نهاد.

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری

اشعار حافظ آمیزه‌ای است از معانی عاشقانه و اجتماعی و عرفانی و در هر یک از غزلیات خود در کنار عبارات معمولی مقاصد عالی خود را نیز در باب هستی و محبت و مدارا و گذشت و خشونت‌ها و ریاکاری‌ها و مردم‌فریبی‌های و لطایف خلقت و جمال طبیعت و اراده

عارفانه اندیشه نیرومند به نمایش می‌گذارد که هریک از این مضامین بسیار آموزنده و عبرت‌انگیز است و راه و رسم زندگی را به انسان‌ها می‌آموزد.

وی زیباترین و نغزترین اشعار فارسی را در طول تاریخ ادبیات ایران زمین سروده است. دیوان او حاوی ۵۰۰ غزل، ۴۲ رباعی، و تعدادی قصیده است که در عرض مدت ۵۰ سال سروده شده است. حافظ به سال ۷۹۱ در سن ۶۹ سالگی در شیراز درگذشت. جسد او را در باغ مصلی، در کنار نهر رکن آباد شیراز به خاک سپردند، محلی که امروزه به نام حافظیه خوانده می‌شود.

شهرت اصلی حافظ و رمز پویایی جاودانه آوازه او به سبب غزلسرایی و سرایش غزل‌های بسیار زیباست. غزل بویژه نوع عارفانه آن توسط حافظ به اوج فصاحت و بلاغت و ملاحظت رسید و او جدای از شیرینی و سادگی و ایجاز، روح صفا و صمیمیت را در ابیات خود جلوه‌گر ساخت.

اشعار حافظ به دلیل نو بودن و تفکر عمیقی که در پس ذهن حافظ بوده و در اشعارش هم نمود پیدا کرده هنوز هم که هنوز است هر وقت دیوانش را می‌خوانیم به معنایی جدید می‌رسیم انگار اشعار حافظ هر روز متولد می‌شود.

### الف) مفهوم دعا:

دعا در لغت به معنای طلب، درخواست و تقاضاست و در اصطلاح به اظهار نیاز و خواهش بندگان به درگاه خدای قادر متعال گفته می‌شود. ارزش و اهمیت دعا در فرهنگ اسلامی، از سفارشهای قرآن و معصومین - علیه السلام - معلوم می‌شود. این تأکید بسیار زیاد، نشانگر جایگاه ویژه دعا در اسلام است، کلمه دعا ۵۳ بار در دیوان حافظ تکرار شده است. و با احتساب کلماتی که به نوعی اشاره به دعا دارد مثل، ورد نیمه شب، نیاز نیم شب، آه نیمه شب و... حجم قابل توجهی به این موضوع اختصاص یافته است.

### ب) اهمیت دعا

همدم شدن با خداوند و راز و نیاز با دوست و در میان نهادن درد دل با او، غم‌ها را سبک می‌کند و دل‌ها را روشنایی و فروغ می‌بخشد. لذت دعا و مناجات با ذات بی‌زوال خداوند،

چون چاشنی سحرانگیزی، همه تلخی‌ها را شیرین کرده، زندگی را باصفا و گوآرا می‌سازد برای همین است که حافظ می‌فرماید.

به هیچ ورد دگر نیست حاجت حافظ دعای نیمه شب و درس صبحگاهت بس

(۹/۲۶۴)

آن دم که انسان دست نیایش به سوی پروردگار خویش برمی‌دارد، در حقیقت زخمه محبت الهی است که تارهای دل را به لرزش واداشته تا با او عاشقانه سخن گوید دعا آبرو بخش انسان در پیشگاه ربوبی است و اگر دعای ما نبود، در نزد خداوند قدر و اعتباری نداشتیم:

قُلْ مَا يَعْجَبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان/ ۷۷)، "اگر دعای شما نبود، خداوند به شما اعتنا و توجهی نداشت."

### دعا "بهترین و برترین عبادت"<sup>۱</sup>

"مغز عبادت"<sup>۲</sup>، "کلید رستگاری"<sup>۳</sup>، "گشاینده در رحمت"<sup>۴</sup> و "سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است"<sup>۵</sup>. حافظ در جای دگر فرمود:

ما حاصل خود در سر خمخانه نهادیم محصول دعا در ره جانانه نهادیم

(۱/۳۶۴)

ویا:

دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت عمری است که عمرم همه در کار دعا رفت

(۸۲/۶)

۱ - میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۵)

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - همان.

تصور اشتباه در این است که دعا تنها یک ابزار دانسته می‌شود و هدف، همان خواسته و نیاز است و دعا هیچ نقشی جز بر آوردن هدف ندارد، در حالی که دعا خود یک نیاز برای روح انسان است و خودش هدف است. هدف اتصال به خدا است و دعا، همین اتصال و پیوند.

### ج) شرایط دعا از نظر حافظ:

#### ۱- اخلاص و صدق

از نظر حافظ عملی صحیح و خدایی است که بر اساس حکم خدا و پیامبر باشد که از آن به صراط مستقیم یاد می‌شود. به هر مقدار از این مسیر فاصله گرفته شود انحراف صورت می‌گیرد انسان باید اعمال و رفتارهای خود را با موازین شرعی و احکام الهی و ارزش‌های اخلاقی بسنجد، تا متوجه شد که چه مقدار در مسیر الهی است و اعمال او رنگ خدایی دارد. عرفا و بزرگان و منجمه حافظ بر این مطلب تاکید ورزیده‌اند که اگر چه اصل دعا و راز و نیاز به درگاه پروردگار مطلوبیت ذاتی دارد. منتها دعای واقعی و تضمین شده برای انسان‌های مخلص به نظر حافظ دعائی است که از روی صفا و صدق باشد.

حافظا سجده به ابروی چو محرابش بر که دعایی ز سر صدق جز آنجا نکنی

(۷/۴۷۶)

ویا:

ز شست صدق گشادم هزار تیر دعا ولی چه سود یکی کارگر نمی افتد

(۶/۲۳۳)

ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز کز سر صدق می کند شب همه شب دعای تو

(۲/۴۰۶)

برای همین است که زاهد مغرور به سر منزل مقصود نمی رسد.

زاهد غرور داشت به سلامت نبرد راه رند از ره نیاز به دار السلام رفت

(۷/۸۴)

## ۲- فقط از خدا بخواهیم

امام صادق(ع) فرمود: «هرگاه یکی از شما بخواهد که هر چه از خدا درخواست می‌کند، خدا به او عطا فرماید، باید از همه مردم ناامید و مأیوس گردد و هیچ امیدی جز به درگاه خدا نداشته باشد<sup>۱</sup>» او به نقطه‌ای از ایمان و توکل باید برسد که بداند همه قدرت‌ها و علل جهان تحت اراده و قدرت الهی قرار دارند.

پس از خدا بخواهد که اسباب و علل مادی و معنوی جهان را جهت صلاح و منفعت او قرار دهد.

حافظ اشاره می‌کند که باب رحمت الهی هیچ‌گاه بسته نیست و دستی که به قصد نیاز بر آستان او بلند شود، تهی باز نمی‌گردد به شرطی که تمام ذرات وجود انسان یک چیزی را بخواهد و طلب کند و دل و زینش با عمل و رفتارش هماهنگ باشد. بنابراین فقط و فقط باید از قاضی الحاجات استمداد بطلبیم.

حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم

(۱۲/۳۷)

## ۳- استمرار در دعا

دعا راه حرکت انسان را به سوی حق تعالی هموار می‌سازد، توکل به پروردگار را در آدمی افزایش می‌دهد و او را به بی‌نیاز مطلق می‌رساند از این رو حافظ تاکید دارد که هر چه خواسته دارید از خدا بخواهید و فراوان دعا کنید.

از هر کرانه تیر دعا کرده ام روان باشد کز آن میانه یکی کارگر شود

(۴/۲۲۱)

از این رو توصیه حافظ آن است که هیچ‌گاه از تکرار دعا مأیوس نشده، بلکه با جدیت بگوئیم.

دست از طلب ندارم تا کام من برآید یا جان رسد به جانان یا جان ز تن درآید

(۱/۲۲۹)

۴- در حالت غم و آه باشد.

امروز مکش سر ز وفای من و اندیش زان شب که من از غم بدعا دست برآرم  
(۴/۳۲۴)

ویا در حالت آه:

یارب تو آن جوان دلاور نگاهدار کز تیر آه گوشه نشینان حذر نکرد  
(۵/۱۳۶)

آنهم آه عذر خواه.

گرم ترانه چنگ و صبوح نیست چه باک نوای من به سحر آه عذر خواه من است  
(۲/۲۷)

علاوه بر شرایط ذکر شده حافظ اشاره به موقعیتی می‌کند که در آن وضعیت زمینه برای استجاب دعا مهیاتر است. منجمله می‌گوید که داعی باید در حالت نیاز و خستگی باشد: فقیر و خسته به درگاهت آمدم رحمی که جز ولای توام نیست دستاویز

(۶/۲۶۱)

امام صادق (ع) فرمود: «هرگاه دلتان شکست، دعا کنید، زیرا دل تا پاک و خالص نشود، شکسته نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### ۵- توکل به خدا داشته باشیم

از سوی دیگر، اگر چه خداوند درخواست‌ها را از طریق اسباب و علل برآورده می‌کند اما همین اسباب و علل تنها واسطه در ایصال هستند و آفریده‌ی دست او؛ و خداست که سببیت را به اسباب داده. لذا هیچ‌کس بی‌نیاز از دعا و توکل نیست. حافظ که شعر او مجموعه‌ای از لطایف حکمی با نکات قرآنی است این مفهوم را به زیبایی پرورش داده است:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

(۵/۲۷۱)

### ۶- وقت شناسی در دعا

بزرگان دین، برای نیایش ایام خاصی را سفارش کرده‌اند که برای رسیدن به مطلوب از دیگر اوقات بهتر است. علاوه بر این، در این اوقات به انسان آرامش دست می‌دهد معنویت دو چندان می‌شود و می‌توان عاشقانه با معبود راز و نیاز کرد. شب و سحر، بخشی از این زمان‌های با ارزش است. سحر از اوقات شریفی است که نسیم رحمت حق می‌زود و حاجت‌های بزرگ روا می‌گردد. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

فعلیکم بالدعاء فی السحر الی طلوع الشمس فانها ساعه تفتح فیها ابواب السماء و تهب الریاح و تقسم فیها الارزاق و تقضى فیها الحوائج العظام<sup>۱</sup>

و خواجه حافظ شیرازی، که خود لذت مناجات در سحر را چشیده، می‌گوید:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند  
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند

(۳/۱۷۸)



ویا

ای نسیم سحری بندگی من برسان که فراموش مکن وقت دعای سحرم

(۴/۳۱۶)

منم که گوشه میخانه جایگاه من است دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است

(۱/۵۴)

بخدا که جرعه ای ده تو به حافظ سحر خیز که دعای صبحگاهی اثری کند شما را

(۷/۴۴)

و ابیاتی درباره شب:

در شعر سخنوران ادبیات فارسی و به ویژه حافظ همواره هنگامه پر رمز و راز شبانه از جلوه جذاب و دلنشینی بهره گرفته است. فرصتی که فاصله زمین از آسمان به حداقل ممکن می‌رسد و ملائک برای دیدار صالحان به زمین می‌شتابند

ما برآریم شبی دست ودعایی بکنیم غم هجران ترا چاره زجائی بکنیم

(۱/۳۷۰)

با دعای شبخیزان ای شکر دهان مستیز در پناه یک اسم است خاتم سلیمانی

(۶/۴۷۳)

سزای قدر تو شاهها به دست حافظ نیست جز از دعای شبی و نیاز صبحدمی

(۱۱/۴۶۲)

بربوی آنکه جرعه جامت به مه رسد در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت

(۵/۸۴)

من آن مرغم که هر شام و سحرگاه زبام عرش می آید صفیرم

(۹/۳۲۴)

و خوب در میان تمامی شب‌های سال، شب قدر در ماه رمضان حلاوتی دیگر دارد. حافظ با زبان عرفان و تعبیر رمزگونه، مخاطب را به این شب بزرگ و اسرار آمیز رهنمون می‌کند. این اشعار که بر اساس آیات، احادیث و روایات سروده شده است همچون بارقه‌های آسمانی بر دل و جان شیفتگان می‌تابد و ظلمت درون را به انوار الهی روشن می‌سازد.

شب قدر است و طی شد نامه هجر سلام فیه حتی مطلع الفجر

(۱/۲۴۷)

ویا

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است یا رب این تاثیر دولت از کدامین کوکب است

(۱/۲۹)

#### د) آثار دعا از نظر حافظ:

##### ۱- زایل کننده غم

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تا بود درست دعا و درس قرآن غم مخور

(۱۰/۲۵۱)

ویا

همت حافظ و انفاس سحر خیزان بود که زبند غم ایام نجاتم دادند

(۸/۱۷۶)

##### کلید گنج مقصود

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است بدین راه و روش میرو که با دلدار پیوندی

(۳/۴۳۵)

در جای دیگر دعا را به عنوان کلید گنج سعادت معرفی می‌کند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود

(۱۰/۲۱۲)

### پناه و پشتیان

بیار می که چو حافظ هزارم استظهار بگریه سحری و نیاز نیم شبست

(۹/۶۴۴)

### ویا

عدو چو تیغ کشد من سپر بیندازم که تیغ ما بجز از ناله یی و آهی نیست

(۲/۷۶)

### راه وصول

حافظ وصال می طلبد از ره دعا یارب دعای خسته دلان مستجاب کن

(۸/۳۹۳)

### نورانیت و روشنایی

از دیدگاهی دیگر، اهمیت دعا در ارتباط مستقیم آن با عبودیت خداوند ریشه دارد. خداوند هدف از خلقت آدمی را عبادت می‌داند و این عبادت پاداشی است برای بشر؛ کیمیایی است که مس وجود او را طلا می‌کند و مقدمه‌ای است برای معرفت و شناسایی خداوند.

سر مکش حافظ ز آه نیمه شب تا چو صبحت آئینه رخشان کنند

(۹/۱۹۲)

### مونس جان

جان ناشکیبا و بیطاقتی که دیگر توان تحمل بار رنج و درد را ندارد، در پرتو دعا و راز و نیاز و گریستن و خالی شدن از عقده‌ها، گنجایش دریا گونه مییابد و هجوم طوفان و بلا و غم را نسیمی دل‌انگیز می‌انگارد. و احساس تنهایی و بی‌کسی را از بین می‌برد. حافظ می‌گوید:

بس دعای سحر مونس جان خواهد بود تو که چون حافظ شبخیز غلامی داری

(۸/۴۴۵)

### بلا گردان

بلا گردان جان و دل دعای مستمندان است که بیند خیر از آنخرمن که ننگ از خوشه چین دارد

(۷/۱۱۷)

ویا

دعای گوشه نشینان بلا بگرداند چرا بگوشه چشمی بما نمی نگری

(۱۰/۴۳۹)

### نجات از ظلمات

مرا درین ظلمات آنکه رهنمایی کرد نیاز نیم شبی بود و گریه سحری

(۴/۴۳۸)

خواجه در اشعارش اغلب از خود به عنوان رندی پاک باخته و بی نیاز یاد کرده که با همه هشیاری و دانایی به آداب و رسوم و مقررات اجتماعی بی اعتناست. وی از ریا و تزویر زاهدان درونی در رنج و اضطراب است و حتی صوفیان ریایی را که به طریقت حافظ انتساب می‌ورزند ولی اهل ظاهر بوده و در ژنده پوشی و قلندری تظاهر می‌کنند سخت سرزنش می‌کند و در اشعار خود دام حيله و تزویر این ظاهر پرستان را پاره می‌سازد.

بیا به میکده حافظ که بر تو عرضه کنم هزار صف زدعاهای مستجاب شده

(۱۲/۴۱۸)

حافظ مانند عارفان بزرگی چون: حلاج، ابوسعید ابو الخیر، ابن فارض، ابن عربی، سنایی، عطار، عراقی و مولوی عقیده داشت که خدای ادیان گوناگون " واحد " است پس " جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه " .. حافظ می‌گوید که فکر نکنید محل استجاب دعا فقط در مسجد و یا در انحصار متولیان دینی است. خدا تنها در مسجد و سایر مکان‌های نیایش نیست، بلکه در خرابات هم حضور دارد. چون همه جا " او " است و هیچ جایی بی " او " نیست.

همه کس طالب یار اند چه هشیار چه مست همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت

(۳/۴۱)

در عشق خا نقاه و خرابات فرق نیست هر جا که هست پر تو روی حبیب هست

(۴/۴۶)

تو خا نقاه و خرابات در میان نه مبین خدا گواه است که هر چه هست با او یم

(۷/۲۲۵)

این نکته را هم باید افزود که، تا انسان خود به مقام معرفت نرسیده باشد، هرگز نمی‌تواند شهد و لذت دعا و نیایش را درک کند. به عبارت دیگر، دعا قبل از هر چیز، از مقام گوینده‌ای خیر می‌دهد که در مقام انشای این مقوله عظیم برآمده است.

هر که شد محرم دل، در حرم یار بماند و آن که این کار ندانست در انکار بماند

(۱/۱۷۵)



منابع:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال، نشر اخلاق، قم، ۱۳۷۷.
- ۳- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی، قم، ۱۳۷۹، نشر، معارف اسلامی .
- ۴- حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، نشر طلوع، تهران، ۱۳۷۲.
- ۵- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، ۱۳۷۹، انتشارات اسلامی .
- ۶- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، شهر ری، چاپ اول، نشر دارالحديث

